



آغاز طلایی

گفت و گوی معلمان با
دکتر خسرو باقری، استاد
فلسفه تعلیم و تربیت

زینب وکیل
معلم علوم منطقه ۶ تهران



در سال تحصیلی جدید، در اولین روزهای سال کلاس درس خود را چگونه شروع می‌کنید؟ آیا شما هم جزء دبیرانی هستید که با ورود به کلاس درس در اولین جلسه برنامه درس خود را آغاز می‌کنید؟ یا اینکه جلسه اول را به مطالب دیگری مانند اینکه برنامه امسال چگونه خواهد بود، قوانین درس خواندن و تکالیف و آزمون‌ها چگونه است و یا قوانین و مقررات کلاس چیست و یا بیان خاطره توسط شما و دانش‌آموزان درباره تعطیلات و...
اما اگر بخواهیم براساس نظریه «انسان عامل» کلاس درس را شروع کنیم بهتر است که در جلسات اول نظر و دیدگاه دانش‌آموزان را درباره کلاس درس، موضوع درس جویا شویم. در گفت‌وگوی «معلم و فیلسوف» با آقای دکتر خسرو باقری، این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌ایم. لازم به ذکر است برای آشنایی بیشتر با نظریه انسان عامل می‌توانید به مجله رشد معلم شماره ۳۰۴ رشد معلم - اسفند ۱۳۹۵ - مراجعه فرمائید.

هر جلسه به میزان معینی درس بدهم. در این حالت بچه‌ها نمی‌فهمند، انگیزه ندارند ولی من همین‌طور جلو می‌روم. آخر سال هم با خود بگویم کتاب تمام شد، من کارم را انجام دادم. ولی آیا واقعا من کارم را انجام دادم؟ تربیت انجام شد؟ نه. تربیت یعنی تعامل؛ که اینجا رخ نداد. ببینید ما با دو نوع

معلمی در دوره دبیرستان داشتیم که با چشم بسته درس می‌داد. اصلا کاری نداشت که در کلاس چه می‌گذرد. این درست نیست و این انسان از عاملیت خود به‌طور کلی تهی شده است. در سایر مسائل اعم از ارزشیابی و ... این مسئله جاری است. اصلا آیا می‌شود از بچه‌ها پیشنهاد گرفت؟»

معلم: آقای دکتر در گفت‌وگوهای قبلی از شما سؤال کردیم که معلم چگونه می‌تواند عاملیت انسان را به کلاس بیاورد؟ شما در جواب فرمودید: «مفهوم عمل در فرهنگ اسلامی مأنوس و آشناست. اما متأسفانه این مفهوم آشنا وقتی در فضای تعلیم و تربیت می‌آییم فراموش می‌شود. معلم با شاگرد خود به‌عنوان عامل ارتباط برقرار نمی‌کند. به‌عنوان یک ماده مومی شکل با او برخورد می‌کند، یعنی غیرعامل. فکر می‌کند دانش‌آموز یک ظرف خالی است که من باید آن را پر کنم یا یک مومی است که من باید شکل بدهم و اگر مقاومت کند باید در هم شکسته شود. در محیط‌های تعلیم تربیتی رابطه عامل با عامل را نمی‌بینیم. رابطه عامل است با یک ماده خام. انگار که معلم عملی را روی دانش‌آموز انجام می‌دهد. در صورتی که اگر رابطه عامل با عامل باشد تعامل شکل می‌گیرد. وقتی انسان چوب را به صندلی تبدیل می‌کند عملی را انجام می‌دهد انسان با چوب فرق دارد. رابطه پیامبر(ص) با دیگران رابطه عامل با عامل بوده است. می‌فرماید «لست علیهم بمصیطر»، ای پیامبر رابطه تو با پیروانت مثل رابطه چوب و نجار نیست. انسان را نه باید به کول کشید. او باید خود راه برود اگر هم نخواست هیچ کاری نباید کرد. گاهی معلم خود را دیکتاتور یا نیروی تعیین‌کننده کلاس می‌داند. دانش‌آموز هم همان ظرف تو خالی است. گاهی دانش‌آموزی اصلا انگیزه یادگیری ندارد یا علاقه‌ای ندارد. معلم اما کار خودش را می‌کند. من

جان دیویی می‌گوید
تدریس مثل فروش
است. آیا فروش بدون
خرید معنا می‌دهد؟
آموزش موقعی رخ
می‌دهد که یادگیری رخ
داده است. البته من با
این موافق نیستم

ما در این جلسات می‌خواهیم ارکان موجود در کلاس درس را با عینک عاملیت بررسی کنیم، پس از زمان شروع سال تحصیلی و ورود معلم به کلاس درس شروع کنیم.
دکتر باقری: ببینید معلم که در ابتدا وارد کلاس می‌شود این نگاه عاملیت به او چه کمکی می‌کند. بپرسیم دانش‌آموزان با چه انگیزه‌ای به این کلاس آمده‌اند. معلمی که بیشتر فقط به کار خود بخواهد نگاه کند از تعامل دور شده است. معلم و شاگرد باید با گفت‌وگو به جایی برسند. معلم اصلا بپرسد تصور دانش‌آموزان از این درس چیست؟

معلم: یک کابوس وحشتناک از زمان. من سال گذشته ده صفحه از کتاب نهم را در بیست جلسه درس دادم و باز هم نتوانستم با حالت مطلوبی کتاب را به پایان برسانم. امتحان نهایی پیش روی ما بود و دانش‌آموزان کلاس نهم من بعضی از مهارت‌های دبستان را هم نداشتند.
دکتر باقری: تمام کردن در گرو شروع کردن است. من دو سناریو دارم در اینجا. یکی اینکه با سرعت شروع کنم و

واژگان رو به رو هستیم. واژگانی که ناظر به وظیفه‌اند در برابر واژگانی که ناظر به موفقیت هستند. در این دسته ما باید به نتیجه برسیم. صرف انجام وظیفه کافی نیست. حال این سؤال مطرح است که آموزش ناظر به وظیفه است یا ناظر به موفقیت؟ اگر بگوییم ناظر به موفقیت است مثل این می‌ماند که بگوییم من درس را داده‌ام و تمام. ولی اگر بگوییم آموزش ناظر به موفقیت است دو معنا پیدا می‌کند. یک معنای حداکثری که همه باید یاد بگیرند تا

این معلم رابطه تعاملی را باور ندارد. تا قلاب گیر نکند حرکت انجام نمی‌شود. به نظر من خیلی طبیعی است که جلسه اول درس را شروع نکنیم.

← معلم: جلسه بعد مادران پشت در هستند و کلی اعتراض دارند.
دکتر باقری: آن‌ها را نیز باید توجیه کرد.

← معلم: چه کسی باید آن‌ها را روشن کند؟

دکتر باقری: مدیر و شما (معلم). یکی از کارهای مهم تربیت، تعامل بین معلم و والدین است. شما قبل از شروع سال تحصیلی با خانواده‌ها تعامل داشته باشید.

معلم: والدین می‌گویند حرف شما قبول. ولی بچه ما باید کنکور قبول شود.

← دکتر باقری: اجازه دهید. شما باید قبل از جلسه اول با والدین دیدار داشته باشید. به او چه بگویید. مادر و پدر عزیز هر دوی ما رشد این فرزند را می‌خواهیم. بدانیم اگر ایشان بدون فهم و انگیزه بخواهند کار را شروع کنند فایده‌ای ندارد. پس من و شما باید انگیزه ایشان را زنده نگه داریم.

معلمی که بیشتر فقط به کار خود بخواهد نگاه کند از تعامل دور شده است. معلم و شاگرد باید با گفت‌وگو به جایی برسند. معلم اصلاً پیرسد تصور دانش‌آموزان از این درس چیست؟

دلیلی که من نمی‌دانم آموزش را ترک می‌کند. البته خیلی وقت‌ها دغدغه یادگیری باشد یادگیری رخ می‌دهد.

← معلم: آقای دکتر در دبیرستان این اتفاق خیلی کم می‌افتد. من نود دقیقه در هفته با دانش‌آموز کلاس دارم، نگران آن حجم زیاد کتاب هم هستم. چه‌طور در قلب بچه اثر بگذارم؟
دکتر باقری: مسئله این شد که وقتی معلم وارد کلاس می‌شود اگر انسان (دانش‌آموز) را عامل بدانند نمی‌گویند من درسم را می‌دهم.

تدریس انجام شده باشد. جان دیویی می‌گوید تدریس مثل فروش است. آیا فروش بدون خرید معنا می‌دهد؟ آموزش موقعی رخ می‌دهد که یادگیری رخ داده است. البته من با این موافق نیستم.

← معلم: چرا موافق نیستید؟
دکتر باقری: چرا که این انسان عامل است، اگر نخواهد یاد نمی‌گیرد. این الزامی که وجود دارد با عاملیت سازگار نیست.

← معلم: شما اراده را مهم می‌دانید؟
دکتر باقری: اراده حداقل است. عوامل دیگر نیز تأثیر دارد. آموزش ناظر بر موفقیت است؛ به این معنی که معلم دغدغه یادگیری دانش‌آموز را داشته باشد. معلم تلاش در یادگیری دانش‌آموز می‌کند ولی این تلاش تضمینی بر یادگیری نیست. قرآن به پیامبر(ص) می‌گوید: عزیزِ علیه ما عَنَّمْ (توبه/۱۲۸)، پیامبر تمام سعی‌اش بر نجات شماست ولی آیا این پیامبری به هدایت منجر می‌شود؟ نه زیرا انسان عامل است. معلمی و شاگردی نیز همین‌طور است. این شاگرد به هر

